

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش متاهلان به طلاق عاطفی (مطالعه موردی متاهلان شهر خرم‌آباد)

عارف شاکرمی،* زهرا قاسمی،** ذبیح اله صدقی***

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۴/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۸/۰۸/۱۵)

چکیده: پژوهش حاضر باهدف تبیین نگرش متاهلان به طلاق عاطفی به‌روش پیمایش از ۴۰۰ نفر متاهلان شهر خرم‌آباد با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام گردید. چهار متغیر اعتماد اجتماعی، پای‌بندی به‌هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی و عادت واره که مهم‌ترین پی‌آمدهای تحولات اجتماعی اخیر در نظام جهانی هستند به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شد. طلاق عاطفی بر اساس نظریه چلبی و بودریار طیف‌ساز شد. نتایج توصیفی این پژوهش نشان داد ۴۱ درصد متاهلان دارای نگرش مثبت به طلاق عاطفی و ۳۱ درصد دارای نگرش منفی به طلاق عاطفی می‌باشند. در تحلیل رگرسیون ۴۴ درصد نگرش به طلاق عاطفی با کاهش اعتماد اجتماعی و پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی و افزایش تفاوت عادت واره تبیین می‌شود. در تحلیل مسیر اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر و پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی کمترین تأثیر را در نگرش متاهلان به طلاق عاطفی دارند.

مفاهیم اصلی: اعتماد اجتماعی، پای‌بندی به‌هنجارها، عادت واره، نگرش به طلاق

عاطفی.

*. دانشجوی دکترای مسائل اجتماعی ایران - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز shakarami.aref@gmail.com

**. استادیار و هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

zahraghasemisst@gmail.com

***. استادیار و هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان zsadafi@yahoo.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نوزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، ص ۲۹-۵۳

مقدمه و بیان مسئله

خانواده به‌عنوان نخستین واحد اجتماعی در طی مراحل خود دچار آسیب‌ها و بحران‌هایی گردیده است. یکی از مهم‌ترین بحران‌ها گرایش به طلاق عاطفی است و تغییر نگرش درونی زن و شوهر به پیوند ازدواج در بسیاری از موارد موجب عدم تعادل روانی، عاطفی و بی‌ثباتی خانواده می‌گردد. در جوامع در حال گذار طلاق عاطفی و به‌دنبال آن طلاق قانونی در حال افزایش است. طلاق عاطفی^۱ سردی روابط میان زن و شوهر است که به‌ضعف ارتباط احساسی و عاطفی زن و شوهر و نیز سردی سایر روابط یک زوج مانند سردی رابطه جنسی و کلامی آن‌ها منجر می‌شود. طلاق عاطفی در بسیاری از موارد بسیار مخرب‌تر از نوع طلاق قانونی است که کیفیت روابط درون خانواده را دست‌خوش تزلزل می‌کند و این خود موجب می‌شود تا برای فرد و جامعه زیان‌هایی را در پی داشته باشد. پدیده طلاق عاطفی امری خلق‌الساعه نیست بلکه تحت تأثیر شرایط و موقعیت‌های اجتماعی نگرش زن و مرد نسبت به هم‌تغییر کرده و در پی آمد آن روابط متقابل آنان در خانواده دست‌خوش دگرگونی می‌شود، این تغییرات کم‌کم منجر به تغییر نگاه آنان به ازدواج خود و نیز کاهش توجه به یکدیگر و سردی روابط و میل به فاصله برای کاهش تنش می‌شود. با توجه به گستردگی عوامل اثرگذار بر روابط زوجین، نوع نگرش به ازدواج و در نتیجه میزان گرایش به طلاق عاطفی در خانواده‌های متأهل متفاوت است و در واقع تغییر نگرش به ازدواج از سطح حداقلی تا سطح حداکثری در میان آنان دیده می‌شود؛ که این مبین تحول نگرش آنان به سمت طلاق عاطفی است. لذا در این تحقیق موضوع تحول نگاه زوجین به ازدواج معطوف به سوی دیگر طیف، یعنی گرایش زوجین به طلاق عاطفی و تحول نگرش آنان به طلاق عاطفی گردید. نگرش^۲ دربرگیرنده سه بعد شناختی، ارزشی عاطفی و رفتاری است. بعد شناختی به‌داشتن باورها و عقاید، بعد عاطفی به‌زمینه‌های هیجانی و احساسی فرد اشاره دارد و بعد رفتاری منجر به جهت‌گیری به‌انجام دادن یک رفتار ویژه می‌شود. اریک وایدمر^۳ معتقد است خانواده از مرحله سنت به‌مدرنیته رسیده اما اینک شاهد دوران پسامدرنیته هستیم و باید ویژگی‌های خانواده در این عصر را مورد مطالعه قرارداد (لبیسی، ۱۳۹۳: ۷۲۹). اولریک زارتلر^۴ طلاق را از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با خانواده در دنیای امروز می‌داند. پدیده طلاق، در لحظه اتفاق نمی‌افتد بلکه فرایندی است که در طول زمان، با پیچیدگی‌ها و نقاط آشکار و پنهان زیادی شکل می‌گیرد (لبیسی، ۱۳۹۳: ۷۷۰). تغییرات خانواده در جامعه ایران متأثر از پیامدهای مدرنیته و پست‌مدرنیته در دهه‌های اخیر بوده و با چالش‌هایی

1. Emotional Divorce

2. Attitude

3. Eric Widmar

4. Ulrik Zartler

از جمله، تغییر نقش و جایگاه زنان، کاهش میزان ازدواج، افزایش میزان طلاق، تغییر نگاه به نقش همسر، تغییر مرکزیت تصمیم‌گیری در خانواده و... مواجه است. اولریک زارتلر در دنیای امروز بر مطالعات سرمایه اجتماعی به‌خصوص بعد مرکزی آن، یعنی اعتماد، تمرکز و بر تأثیر آن بر خانواده تأکید می‌ورزد (لبیبی، ۱۳۹۳: ۸۱۲). عوامل اجتماعی متعددی بر نگرش متاهل‌ها به طلاق عاطفی مؤثرند. در این تحقیق سرمایه اجتماعی و فرهنگی با چهارم‌تغییر اعتماد، مشارکت، هنجار اجتماعی و عادت واره به دلیل نقش آن‌ها در تحکیم ساختار خانواده و روابط کنشگران به‌عنوان متغیرهای مستقل مطرح شد. با توجه به این‌که ازدواج در آغاز بر روابط صمیمی و علاقه‌مندی به تشکیل خانواده بنا می‌گردد، تغییر نگرش در احساسات، تمایلات و رفتار افراد متأهل نسبت به هم و میل به فاصله گرفتن از هم و شروع پذیرش سردی و گرایش به جدایی عواطف و تغییر نگرش از صمیمیت به سمت طلاق عاطفی قابل بررسی است، این پژوهش بر آن است که علاوه بر بررسی نگرش به طلاق عاطفی متاهلان شهر خرم‌آباد، عوامل اجتماعی تأثیرگذار در این تغییر نگرش را شناسایی کند؛ و سؤال اصلی تحقیق این است که: چه عواملی سبب تغییر نگرش افراد متأهل از روابط صمیمی و گرم ازدواج به سمت طلاق عاطفی می‌گردد؟

ضرورت و اهمیت

در ایران آمارهای روبه رشد طلاق قانونی دیده می‌شود. معمولاً زوجها به علت وجود موانع اجتماعی، فرهنگی و قانونی مجبور به تحمل یک زندگی مشترک غیر رضایت‌آمیز می‌شوند. در واقع مسئله جدایی زوجین را می‌توان به‌کوه یخ تشبیه کرد که تنها بخش کوچکی از آن در قالب طلاق قانونی خود را نمایان می‌سازد؛ زندگی‌های خاموش و خانواده‌های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند ولی هیچ‌گاه تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (بخارایی، ۱۳۸۶). در سال ۱۳۹۴ نسبت ازدواج به طلاق ۴/۲ می‌باشد به عبارتی در مقابل هر ۴/۲ ازدواج ثبت‌شده یک طلاق در کشور ثبت‌شده است. در استان لرستان سال ۱۳۹۴ نسبت نرخ ازدواج به طلاق ۵/۴ می‌باشد یعنی در مقابل هر ۵ ازدواج ثبت‌شده یک طلاق رخ داده است و نیز ازدواج ۵/۹ درصد کاهش یافته است. در حالی که طلاق سال ۹۴ نسبت به سال قبل از آن در استان لرستان ۲/۷ درصد رشد داشته است. لرستان از نظر نرخ طلاق در رتبه دهم کشور قرار دارد (سازمان ثبت‌احوال، ۱۳۹۴). در گزارش سالانه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان طی سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۴ طلاق در استان لرستان افزایش یافته است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان، ۱۳۹۴)؛ در جوامع سنتی با ساختار قبیل‌ای همچون لرستان با توجه به آمار خودکشی به‌خصوص در میان زنان، ضرورت دارد با بررسی و کنکاش علمی و جامعه‌شناختی در مورد تبیین شناخت عوامل مؤثر بر تغییر نگرش از

روابط صمیمی و گرم آغاز ازدواج به‌سوی طلاق عاطفی بتوانیم راهکارهای مفیدی برای پیوند عاطفی خانواده‌ها و به‌تبع آن جامعه ارائه دهیم.

پیشینه پژوهش

حاجی‌زاده میمندی (۱۳۹۵)، در بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی (مطالعه موردی متأهل‌های شهر شیراز) در این تحقیق بین سبک زندگی تظاهری و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود نداشت ولی بین سبک زندگی سنتی و طلاق عاطفی رابطه وجود داشت. در فرضیه اول تقلید از طبقه بالا بر طلاق عاطفی بی‌تأثیر بوده است در فرضیه دوم هرچه سبک زندگی سنتی در بین زوجین بیشتر رواج داشته باشد طلاق عاطفی بیشتر مشاهده می‌شود. اسکافی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد نشان دادند که حمایت، انسجام، قوت پیوند صمیمیت و فعالیت‌های مشترک در صمیمیت با همسر مؤثر است و صمیمیت با همسر بیشترین اثر را در طلاق عاطفی دارد. همچنین در بین زوجین متغیرهای خصیصه‌ای، تعداد فرزندان، مدت ازدواج، نسبت قبلی با همسر و شناخت همسر قبل از ازدواج در طلاق عاطفی مؤثرند. برین (۱۳۹۱)، در پژوهشی تأثیر سرمایه فرهنگی و عادت واره بر طلاق عاطفی بین زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاکی است که بین عادت واره و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد. در این پژوهش بعد ارتباطات اجتماعی بیشترین تأثیر را بر طلاق عاطفی دارد. باستانی (۱۳۹۰)، با استفاده از روش کیفی (نظریه مبنایی) یکی از مطالعات داخلی در این حوزه را انجام داده‌اند. نتایج نشان داد ۱۱ مقوله شامل عدم تأمین نیازهای عاطفی، بی‌توجهی و مشکلات ارتباطی، انتخاب نادرست همسر، عدم همدلی و همراهی، رفتارهای خشونت‌آمیز، عدم گذران وقت با یکدیگر، نارضایتی جنسی، بی‌اعتمادی، عدم احساس مسئولیت مردم و عدم تعادل روانی مرد از جمله شرایط تأثیرگذار در طلاق عاطفی است. هاشمی (۲۰۱۷) در بررسی اثر طلاق عاطفی والدین بر سطح افسردگی، استرس و پرخاشگری کودکان ایرانی با ۸۱ کودک ایرانی در محدوده سنی ۱۰ تا ۱۲ سال نشان داد کودکانی والدین‌شان درگیر طلاق عاطفی هستند از مشکلات عاطفی و رفتاری بیشتری نسبت به والدینی که از طریق قانونی طلاق گرفته‌اند رنج می‌برند؛ بنابراین، طلاق عاطفی تأثیر منفی بیشتری بر روی کودکان دارد. والنزوالا^۱ (۲۰۱۴)، در تحقیقی ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و رضایت از ازدواج و طلاق را در سراسر آمریکا بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و طلاق رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث سردی روابط بین زوجین می‌شود.

1. Valenzuela

راسل و کلایتون^۱ (۲۰۱۴)، در بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص توئیتر^۲ بر رضایت زناشویی و طلاق نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی با فراهم کردن زمینه‌ی روابط عاشقانه با افرادی غیر از همسر، باعث خیانت زناشویی شده و درنهایت به طلاق ختم می‌شود. با مرور تحقیقات پیشین، این خلأ به‌وضوح مشاهده شد که بررسی تأثیر متغیرهای سرمایه اجتماعی نظیر اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پای‌بندی به هنجار اجتماعی و سرمایه فرهنگی عادت واره در تحقیقات داخلی و خارجی مغفول مانده است. همچنین تاکنون تحقیقی با این مضمون در بین متأهل‌های شهر خرم‌آباد انجام نشده است؛ لذا تحقیق حاضر به‌منظور پر کردن این خلأ، علاوه بر شناسایی و توصیف میزان نگرش متأهل‌ها به طلاق عاطفی در بین متاهلان شهر خرم‌آباد، درصد تبیین عوامل اجتماعی از قبیل سرمایه اجتماعی نظیر اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پای‌بندی به هنجار اجتماعی و سرمایه فرهنگی عادت واره در این نگرش است.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری با تلفیق نظریه نظم چلبی و نظریه بودریار^۳ در رابطه با امر واقع و وانموده^۴ و گذاشتن این تلفیق در سه بعد نگرش، انجام گرفته است. نگرش بر طبق تعریف، نظامی بادوام است که شامل عنصر شناختی (اعتقادات و باورها)، عنصر احساسی (احساس و جهت‌گیری عاطفی)، و عنصر تمایل به عمل (آمادگی برای پاسخ‌گویی به شیوه‌ای خاص) است (کریمی، ۱۳۹۵: ۲۲۴). مهم‌ترین و مشهورترین مدل یا فرضیه درباره نگرش، مدل فیش باین و آیزن می‌باشد. به باور فیش باین و آیزن نگرش در زمینه رفتار، نشان‌دهنده درجه ارزیابی فرد از مطلوب بودن (نگرش مثبت به طلاق عاطفی) و یا نامطلوب بودن (نگرش منفی به طلاق عاطفی) آن رفتار است. بر پایه این مدل، نگرش افراد در زمینه رفتار پیش‌بینی کننده گرایش‌های رفتاری می‌باشد (فیش باین و آیزن، ۱۹۸۰). از این رو، نگرش متأهل‌ها به طلاق عاطفی، متأثرکننده نوع آگاهی و شناخت آنان از طلاق عاطفی و درنهایت تمایل رفتاری (گرایش) آنان به طلاق عاطفی یا فاصله گرفتن از طلاق عاطفی است.

از دیدگاه رفیع پور، نگرش یک فرد درباره یک پدیده عموماً مرحله‌ای است که هنوز با آن پدیده تجربه شخصی نداشته است و هنوز به یک تصمیم قاطع درباره رد یا پذیرش آن پدیده نرسیده است، لذا در این مرحله نظر افراد نسبتاً به راحتی قابل تغییر است. به نظر وی گرایش یک مرحله از واژه نگرش جلوتر می‌رود. نظر و برداشت اولیه شخص درباره یک موضوع مستحکم‌تر می‌شود و در رفتار و

1. Russell & Clayton
2. Twitter
3. Baudrillard
4. Simulation

برخورد آن فرد با آن پدیده کم‌وبیش منعکس می‌شود (رفیع پور، ۱۳۷۳: ۸-۷). چارچوب نظری تحقیق حاضر، تلفیقی از دیدگاه چلبی در ارتباط با ساختار روابط درون خانواده در فرایند نظم اجتماعی و دیدگاه بودریار در رابطه با تأثیر ابعاد وانموده بر کارکرد خانواده در جهان معاصر استفاده شده است. در واقع هم به ساختار و هم به کارکرد خانواده در ارتباط با این دو نظریه توجه شده است. نظریه نظم چلبی، نظم اجتماعی نتیجه نفوذ متقابل مجموعه‌های مشترک آرمانی و هنجاری با شبکه‌های فرصتی و تعاملی کنشگران فردی و جمعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۶). نظم اجتماعی خرد در چهار بعد شامل: هم‌فکری، هم‌بختی، هم‌دلی و هم‌گامی است. از لحاظ تحلیلی چلبی تعامل را دارای دو وجه عمده ابزاری و اظهاری می‌داند که روابط خانوادگی از مصادیق رابطه اظهاری محسوب می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۸)؛ و از منظر رابطه اظهاری، طلاق عاطفی وضعیتی است که در آن، کمیت و کیفیت رابطه اظهاری همسران کاهش می‌یابد. اولین بعد نظم اجتماعی **هم‌فکری زوجین** است. همسران با درک متقابل یکدیگر در صورت مواجهه با مشکلات درون خانواده، با هم‌فکری و چاره‌اندیشی درصدد حل آن هستند. دومین بعد نظم اجتماعی **هم‌بختی** مشترک همان نفع و اقبال مشترک است. اساساً نفع مشترک ریشه در نیازهای عام و مشترک انسانی دارد و اقبال مشترک (خطر مشترک) میزان نیاز متقابل افراد به تشریک‌مساعی فیزیکی است. در صورت هم‌بختی زوجین به نیازهای یکدیگر به‌طور متقابل اهمیت می‌دهند. سومین بعد نظم اجتماعی، **هم‌دلی متقابل** و احساس تعلق مشترک است. در صورت هم‌دلی زوجین افراد در سختی‌ها، مشکلات و شادی‌ها با ایجاد هم‌دلی و درک احساسات یکدیگر به دنبال حفظ نظم اجتماعی در خانواده هستند بعد آخر نظم اجتماعی، **هم‌گامی** مشترک که عمدتاً به دلیل این‌که افراد هر یک در بعد ارگانیکی و ظرفیت اجرا منحصر به‌فرد هستند، نظم اجتماعی نوعی سازش بیرونی را طلب می‌کند؛ هر یک در فرایند یادگیری و جامعه‌پذیری در محیط‌های مختلف، تجربه‌های منحصر به‌فرد کسب می‌کنند و از طریق سازش بیرونی به‌نوعی وحدت عمل و هم‌گامی مشترک نائل می‌آیند؛ بنابراین در صورت هم‌گامی، زوجین به خاطر رعایت حال همسرشان حاضرند ضرر اقتصادی را در زندگی مشترک تحمل کنند.

هم‌فکری	هم‌دلی
روابط زوجین در زندگی خانوادگی	
هم‌بختی	هم‌گامی

شکل (۱). روابط زوجین در زندگی خانوادگی

از نظر بودریار جهان معاصر هرچه بیشتر تحت تسلط امر غیر اصیل و نظم وانموده قرار می‌گیرد. وانموده نوعی از شبیه‌سازی است. چیزی است که واقعیت را وانمود می‌کند. ابعاد وانموده از نظر بودریار شامل: حاکمیت مد، خردگریزی پیچیده، حاد واقعی^۱ (فراواقعی)، حاکمیت پول می‌باشند. **حاکمیت مد**، به نظر بودریار جامعه مصرفی اساساً مقولات اخلاقی‌ای نظیر مقولات مبتنی بر احترام و امساک را از درون بیرون کرده و به جای آن‌ها کام‌جویی لذت پرستانه و مدگرایی را آورده است (بودریار، ۱۹۸۸: ۲۳). بودریار استدلال می‌کند جامعه مصرفی کالاها (اشیا) را پیش از آن‌که بتوانند مصرف شوند به صورت نشانه درمی‌آورد. معنای اشیا از طریق سازمان‌یابی نشانه‌ها در قالب رمز^۲ ایجاد می‌شود؛ تنها از طریق این رمزگان است که انسان‌ها به خود و نیازهای خود معنا می‌بخشند مثل ماشین، میز نهارخوری و ... (بودریار، ۱۹۸۱: ۴۵). همچنین زیمل نیز می‌گوید: مردم به مدهای جدید و متفاوت خواه پوشاک، آشپزی، هنر و موسیقی با آهنگی پرشتاب جذب می‌شوند، چراکه می‌خواهند به هویت شخصی متمایز خود شکل بدهند (کیویستو، ۱۳۸۵: ۱۷۹). امروزه در جامعه لرستان مانند سایر نقاط ایران متأهلان با به‌روز رساندن خودرو، دکوراسیون و وسایل خانه سعی دارند زبان‌زد فامیل و خویشاوندان خود شوند؛ همچنین با به‌روز رساندن نوع پوشش و خرید لباس رنگ سال، احساس خوبی به‌دست می‌آورند. **خردگریزی پیچیده**، در جهان معاصر ملاک مصرف، کارایی کالا و خدمات نیست بلکه دلایل غیر کارکردی، مطرح می‌باشد. در قالب فناوری‌های رایج و مقبول گسترش فناوری‌های خدمات زیبایی، رخ‌داده است که دارای کارکرد پوچ در جامعه‌ای به‌ظاهر سراسر عقلانی است و این منجر به خردگریزی پیچیده شده است تا بتواند در جهت پیشبرد اهداف مصرفی این جامعه به‌کار آید. مصرف‌کنندگان هیچ‌گونه توجیه زیستی‌ای برای این اعمال خود ندارند. از این‌رو خردگریزی پیچیده به‌صورت آزادی در حق انتخاب و قوه‌گزینش‌گری جلوه می‌کند (بودریار، ۱۳۸۹: ۴-۲۲۰). امروزه خردگریزی در زندگی زناشویی وارد گردیده است و دارای ابعاد عینی در جامعه و خانواده می‌باشد. مدیریت بدن (جراحی‌های صورت، بینی و...) چنان مهم و متداول است که زیبایی، اولویت اول مرد و زن شده است و سلامت جسمانی و تبع آن روانی به‌خطر افتاده است. همچنین مصرف داروهای لاغری و جراحی‌های پلاستیکی و آرایش بدن و ... مشابه آن چنان رایج شده است که افراد بدون توجه به پیامدهای منفی اصرار به مصرف آن‌ها دارند. **حاد واقعی (فراواقعی)**، حاد واقعی، در ارتباطات و در معنا، به معنی واقعی‌تر از واقعی است که نشان می‌دهد واقعیت چگونه از میان‌رفته است (بودریار، ۱۹۸۱: ۸۱). حاد واقعی (فراواقعی) یعنی کلاً واقعیت وانموده شده و در نتیجه انسان به دنبال زندگی خانوادگی زیباتر از زیبا و حقیقی‌تر از حقیقی

است (ریتزر، ۱۳۸۹: ۴۲). افراط در واقعیت و بروز انواع روابط تصنعی و نمایشی که اغلب در فیلم‌ها و سریال‌ها وجود دارند و فراتر از واقعی هستند به‌صورت هنجار و آرزو و میل همه زوج‌ها درآمدہ است. متاهلان مجذوب شادی، عشق و روابط فراواقعی احساسی و عاطفی و بده بستن‌های عشقی و جنسی می‌شوند که در سریال‌ها و فیلم‌های خارجی‌ها وجود دارد، **حاکمیت پول**، بودریار در نقد جامعه مصرفی معتقد است که نظامی که زیر سلطه نظام اقتصادی و نشانه‌ای باشد و در آن هرچه جامعه مصرفی‌تر شود و نظام نشانه‌ای و اقتصادی بیشتر مسلط گردد، تعهد کمتر می‌شود؛ بنابراین فرد همه‌چیز را یا مطلقاً خوب و یا مطلقاً بد می‌بیند. چون مصرف‌کننده نشانه‌هاست. در این جامعه پول رایج‌ترین نشانه‌ای است که مصرف می‌شود و حقیقت و ارزش‌های انسانی هرچه بیشتر جای خود را به‌وانموده‌ها می‌دهد که تقلبی هستند. امروزه هر نوع مبادلاتی که انجام می‌گیرد پول نقش محوری دارد (بودریار، ۱۳۸۹: ۲۵۴). امروزه زوجین دوست دارند این‌قدر پول و امکانات داشته باشند که در بین اقوام و خویشان سرآمد باشند. برای کسب امتیاز برتر بودن در خانواده و آشنایان و فامیل حاضرند هر کاری انجام دهند. زوجین با توجه به‌شرایط کنونی و سرگرمی‌های متنوع فضای مجازی، رفت‌وآمدهای فامیلی را وقت‌گیر و بی‌حاصل می‌بینند؛ و تمرکز اصلی‌شان کسب احترام به‌روش نمایش ثروت و پول خود در زندگی است.

امر واقع	روابط زوجین در زندگی خانوادگی	امر وانموده
عدم غلبه پول		حاکمیت پول
عدم غلبه مد		حاکمیت مد
عقل‌گرایی		خردگرایی
واقع‌گرایی		حاد واقعی

شکل (۲). تلفیق نظریه نظم چلبی و نظریه بودریار در رابطه با امر واقع و وانموده

با تلفیق نظریه نظم چلبی (ابعاد هم‌فکری، هم‌بختی، هم‌دلی و هم‌گامی) و نظریه بودریار (حاکمیت مد، خردگرایی، حاکمیت پول و حاد واقعی) در رابطه با امر واقع و وانموده و گذاشتن آن‌ها در سه بعد مفهوم نگرش (شناختی، عاطفی و رفتاری) تدوین نظری نگرش متأهل‌ها به‌طلاق عاطفی انجام شد؛ بنابراین با تلفیق چهار بعد نظم اجتماعی چلبی می‌توان گفت زندگی خانوادگی در جوامع (اعم از سنتی یا مدرن) محل توافق اولیه دو زوج در چهار فرایند (هم‌فکری و هم‌بختی هم‌دلی و هم‌گامی) است.

ابعاد نگرش	۴ فرآیند	مدل رفتاری مبتنی بر امر واقع	مدل رفتاری مبتنی بر و انموده
شناختی	هم‌فکری	عدم غلبه پول، عدم غلبه مد عقل‌گرایی، واقع‌گرایی روابط زوجین در زندگی خانوادگی	حاکمیت پول، حاکمیت مد خردگریزی، حاد واقعی ^۱ (فراواقعی)
	هم‌بختی		
عاطفی	هم‌دلی		
رفتاری	همگامی	روابط زوجین در زندگی	

شکل (۳). مدل رفتاری مبتنی بر امر واقع و وانموده

حال چنانچه پس از ازدواج زوجین هر دو مدل رفتاری مبتنی بر واقع‌گرا و یا هر دو وانمودگرا باشند، باهم سازگاری دارند و نگرش آن‌ها به طلاق عاطفی منفی است. ولی اگر یکی از آن‌ها واقع‌گرا و دیگری وانمودی باشد، آنگاه می‌توان گفت نگرش زوجین به طلاق عاطفی مثبت و به تبع آن موجب گرایش به طلاق عاطفی می‌شود.

انواع روابط زوجین		مرد	
		واقع‌گرا	وانمودگرا
زن	واقع‌گرا	هر دو واقع‌گرا نگرش منفی به طلاق = سازگاری	مرد وانمودگرا - زن واقع‌گرا نگرش مثبت به طلاق عاطفی
	وانمودگرا	مرد واقع‌گرا - زن وانمودگرا نگرش مثبت به طلاق عاطفی	هر دو وانمودگرا نگرش منفی به طلاق = سازگاری

سازگاری = نگرش منفی به طلاق (متاهل‌ها) تعارض = نگرش مثبت به طلاق عاطفی

شکل (۴). انواع روابط زوجین

در شرایط اجتماعی فعلی گستردگی امر غیرواقعی و فراواقعی از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی بسترها و زمینه‌ای برای ایجاد نگرش مثبت به طلاق عاطفی است. بدین ترتیب، با بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در شکل‌گیری یا بسط، تحکیم یا تضعیف نگرش‌های مثبت یا منفی به طلاق عاطفی امکان توصیف و تبیین علمی این پدیده فراهم می‌آید و زمینه‌های لازم جهت ارائه راهبردها و برنامه‌ریزی‌های دقیق به‌منظور کنترل این مسئله فراهم می‌شود. اولریک زارتلر معتقد است علی‌رغم مطالعات گسترده‌ای که در دهه‌های اخیر در مورد سرمایه اجتماعی صورت گرفته نیاز به مطالعه بیشتر در مورد روابط خانوادگی و نقش سرمایه اجتماعی در تحکیم آن احساس می‌شود. آنچه در

مورد سرمایه اجتماعی خانوادگی می‌توان با قاطعیت گفت این است که این نوع سرمایه پیوندهای بسیار محکم و قابل‌اعتمادی را پدید می‌آورد و نتیجه آن نیز رفتارهایی هم‌سو و در بسیاری موارد هم‌دلانه است. نتایج مطالعات روان‌شناسی (ماریا و پوزی، ۲۰۰۷)؛ و تحقیقات جامعه‌شناسی (بونینی، ۲۰۰۵). نشان داد سرمایه اجتماعی از پیوندهای مبتنی بر همکاری و اعتماد بالا نشئت‌گرفته و باعث ایجاد پیوندهای دوستانه بین اعضای خانواده و افرادی بیرون از خانواده می‌شوند (لبیسی، ۱۳۹۳: ۸-۸۰۶). کلی و فرناندز^۱ در تأیید نقش سرمایه‌های اجتماعی در پیشگیری از آسیب‌ها مطالعاتی را انجام دادند و به این نتیجه رسیده‌اند که در جوامع فاقد سرمایه اجتماعی، میزان جرم و جنایت بیشتر است و خانواده‌ها معمولاً بی‌دوام هستند (اختر محقق، ۱۳۸۵: ۱۴). سرمایه فرهنگی به‌عنوان عامل مهم می‌تواند موقعیت زنان را به‌لحاظ نوع رابطه باهمسرشان (این که رابطه دوسویه و دموکراتیک باشد یا یک‌سویه) دگرگون کند. به‌عبارت‌دیگر سرمایه فرهنگی می‌تواند شیوه زندگی زنان را در زمینه‌های گوناگون نظیر منش، نگرش، نوع خوراک، پوشاک و... همچنین نوع رابطه آن‌ها را باهمسرانشان در خانواده تحت تأثیر قرار دهد (لبیسی، ۲۸۴: ۱۳۹۳). طبق تحقیقات انجام‌گرفته عناصر سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، عمل متقابل و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با رضایت از زندگی و زناشویی رابطه دارند. از سوی دیگر، گرایش جامعه ایران به‌شهرنشینی، مدرنیته، فردگرایی و آگاهی زنان از حقوق خود موجب شیوع طلاق و اختلافات زناشویی شده است. در سال‌های اخیر سرمایه اجتماعی درون خانواده کاهش یافته و در عوض نرخ طلاق به‌شدت افزایش پیدا کرده است (شکر بیگی، ۱۳۸۸؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). عوامل مختلفی می‌توانند سبب نگرش مثبت به طلاق عاطفی و یا برعکس نگرش منفی به طلاق عاطفی شوند. در این تحقیق چهار متغیر اعتماد اجتماعی، پای‌بندی به‌هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی و عادت و آراه که در نظام جهانی مطرح هستند و پی‌آمد تحولات اجتماعی اخیر در همه جوامع تحلیل می‌گردند به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شد. اعتماد اجتماعی از نظر گیدنز^۲ بر سه نوع است: اعتماد بین شخصی: قابلیت اعتماد میان افرادی که خوب همدیگر را می‌شناسند و بر مبنای آشنایی طولانی برقرار می‌شود؛ اعتماد تعمیم‌یافته: اعتماد به‌افراد است که نمی‌شناسیم مانند شهروندانی که در شهر و کشور خود با آنان هم شهری و هم‌وطن هستیم ولی شناختی از آنان نداریم و اعتماد نهادی: میزانی از اعتماد که افراد نسبت به‌نظام سازمان، قواعد و قوانین دارا می‌باشند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۹-۹۸). اعتماد بستر تعاملات و روابط اجتماعی و کانون مفهوم سرمایه اجتماعی است. به‌طوری‌که با کاهش اعتماد اجتماعی سوگیری‌های عاطفی خاص‌گرا در روابط متأهلان شکل می‌گیرد که به‌عدم همراهی مشترک و تغییر نگرش به طلاق عاطفی منجر می‌شود.

1. Fernandes -Kelly

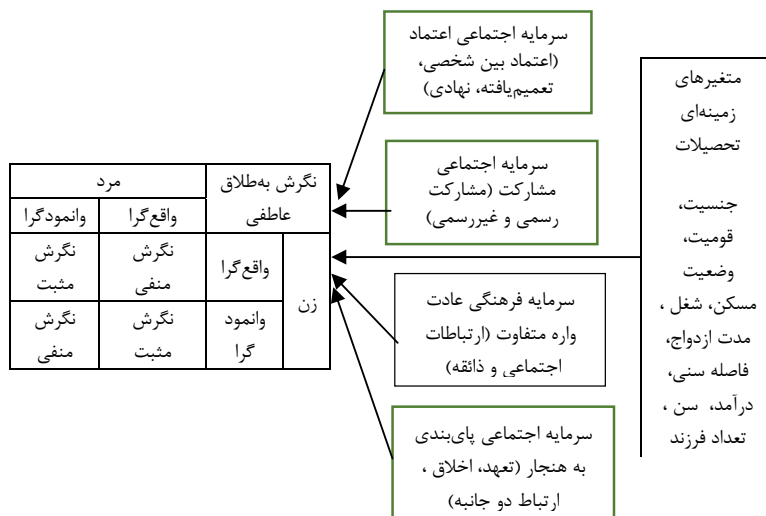
2. Giddens

مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی است. مشارکت از نظر بوردیو^۱ بر عضویت فرد در شبکه‌های اجتماعی برای دسترسی به منابع و امکانات اشاره دارد. افراد با مشارکت پیوسته به‌منظور افزایش فواید دوجانبه، پاداش اقتصادی را به‌دنبال دارند. از نظر پاتنام^۲ نیز سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کند یکی از این ویژگی‌ها شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه است (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵: ۸-۲۶). در مجموع مشارکت به‌دو صورت غیررسمی با پیوندهای عشیره‌ای و قبیله‌ای در سطح خویشاوندی و خانوادگی و مشارکت رسمی در سطح نهادها و انجمن‌های علمی و فرهنگی به‌عنوان مشارکت مؤثر و فعال می‌تواند بر بهبود خانواده‌ها و افزایش سطح آگاهی‌ها مؤثر باشد.

هنجار اجتماعی از نظر فوکویاما^۳ همان هنجارهای تولید سرمایه اجتماعی هستند و اساساً شامل سجایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه می‌باشند (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۲)؛ بنابراین در صورت صداقت و مسئولیت‌پذیری و پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی در زندگی خانوادگی زمینه‌ی تغییرات نگرش زوجین به‌طلاق عاطفی فراهم می‌شود.

عادت‌واره^۴ عبارت است ساختارهای روانی یا شناختی هستند که انسان‌ها به‌وساطت آن‌ها با جهان اجتماعی روبرو می‌شوند. بوردیو به‌عادت‌واره با مفهوم ذائقه اشاره دارد، یعنی همه‌کسانی که سلیقه یکسانی دارند و از طریق ذائقه‌هایشان طبقه‌بندی می‌شوند. طرح‌های درونی شده انسان‌ها که از طریق آن به‌ادراک، فهم و ارزیابی جهان اجتماعی می‌پردازند (کیویستو، ۱۳۸۵: ۷-۱۵). منظور از عادت‌واره، مجموعه طرح‌واره‌هایی است که یک انسان در طول زندگی خود از ابتدای تولد به‌بعد بر اساس برخورد با محیط‌های مختلف مانند خانواده، رسانه‌ها، نهادهای آموزش‌وپرورش و گروه همسالان کسب می‌کند. این طرح‌واره‌ها شامل چگونه غذا خوردن، چگونه لباس پوشیدن، چگونگی ارتباطات اجتماعی، ذوقیات، مشغولیات انسان می‌باشند. (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۷) از نظر بوردیو در عمل و در طول زندگی مشترک، عادت‌واره‌ها هدایت‌کننده افکار و رفتارهای روزمره افراد خودنمایی می‌کنند. اگر زوجین دارای عادت‌واره‌های متفاوت به‌عنوان نمونه یکی منظم و دیگری نامنظم، یکی واقع‌گرا و دیگری تقدیرگرا باشند موجب بروز تعارض شده که بر نگرش آنان به‌طلاق عاطفی اثر می‌گذارد؛ بنابراین، در تدوین چارچوب نظری این پژوهش، ترکیبی از نظریات بودریار و چلبی برای متغیر وابسته و نظریه گیدنز، پاتنام، فوکویاما و بوردیو برای متغیر مستقل استفاده‌شده است.

1. Bourdieu
2. Putnam
3. Fukuyama
4. Habitus



شکل (۵). مدل تحقیق محصول تلفیق نظریه‌های مرتبط با متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

فرضیات تحقیق

الف. فرضیات کلی

به نظر می‌رسد بین میزان سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پای‌بندی به هنجار اجتماعی) و سرمایه فرهنگی (عادت واره متفاوت) با نگرش متأهلان به طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.

ب. فرضیات جزئی

۱. بین اعتماد اجتماعی (اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته (عام)، اعتماد نهادی) و نگرش متأهلان به طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.

۲. بین نوع مشارکت (غیررسمی و رسمی) با نگرش متأهلان به طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.

۳. بین پای‌بندی به هنجار (تعهد، ارتباط دوجانبه، اخلاق (صداقت)) و نگرش متأهلان به طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.

۴. بین عادت واره متفاوت (ارتباطات اجتماعی، ذائقه‌ها) و نگرش متأهلان به طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.

۵. بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، قومیت، وضعیت مسکن، تحصیلات پاسخ‌گو، تحصیلات همسر پاسخ‌گو، شغل پاسخ‌گو، شغل همسر پاسخ‌گو، مدت ازدواج، فاصله سنی، سن پاسخ‌گو، سن همسر پاسخ‌گو، درآمد، تعداد فرزند) و نگرش متأهلان به طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، کمی و از نوع پیمایشی است. جمعیت آماری پژوهش بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ تعداد ۳۶۹۱۷۸ نفر مردان و زنان متأهل شهر خرم‌آباد هستند. با استفاده از فرمول کوکران از جمعیت آماری با سطح اطمینان ۹۵ درصد تعداد نمونه آماری پژوهش ۳۸۴ نفر به‌دست آمد. با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از مناطق شمال، مرکز، جنوب، غرب، شرق، شمال غرب، شمال شرق، جنوب غربی، جنوب شرقی ۴۰۰ پرسش‌نامه به‌طور تصادفی بین جمعیت آماری توزیع شد. پرسش‌نامه محقق ساخته در پنج بخش نگرش متأهلان به طلاق عاطفی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی و عادت واره متفاوت تنظیم‌شده است. نگرش، بیش از آن‌که حالتی آشکار و عملی باشد، حالتی درونی و نوعی آمادگی روانی است؛ یعنی نگرش رفتار نیست، بلکه پیش‌شرط رفتار است. به‌باور فیش باین و آیزن نگرش در زمینه رفتار، نشان‌دهنده درجه ارزیابی فرد از مطلوب بودن (مثبت) و یا نامطلوب بودن (منفی) آن رفتار است. (فیش باین و آیزن، ۱۹۸۰). بدین ترتیب، نگرش به طلاق عاطفی، حاکی از آمادگی درونی متأهلان به طلاق عاطفی است و پیش‌شرط آن عمل را در فرد نشان می‌دهد. برای تعریف عملیاتی نگرش به طلاق عاطفی، در تحقیق حاضر بر اساس تلفیق نظریه چلبی و نظریه بودریار با سؤالات مشترک ۱۸ گویه نظر پاسخ‌گو و ۱۸ گویه دیگر نظر همسر پاسخ‌گو از نگاه پاسخ‌گو سنجیده شده و با مقایسه نظرات زن و شوهر باهم نگرش به طلاق عاطفی به‌دست می‌آید. بر اساس مؤلفه‌های نظم اجتماعی چلبی و نظریه وانموده بودریار ۸ گویه در بعد شناختی (هم‌فکری و هم‌بختی مشترک)، ۴ گویه در بعد عاطفی (همدلی مشترک)، ۶ گویه در بعد رفتاری (هم‌گامی مشترک) تدوین شد تا تمایل به‌امر واقع و امر وانموده سنجیده شود. متغیر اعتماد اجتماعی شامل ۹ گویه در سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد عام و اعتماد نهادی است. متغیر مشارکت اجتماعی دارای ۵ گویه در دو بعد ۱- مشارکت غیررسمی ۲- مشارکت رسمی است. متغیر پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی ۴ گویه در سه بعد تعهد، ارتباط دوجانبه و اخلاق (صداقت) دارد. متغیر عادت واره متفاوت ۶ گویه در دو بعد ارتباطات اجتماعی و ذائقه‌ها دارد. تمام گویه‌ها در قالب طیف پنج پاسخی لیکرت در سطح مقیاس کمی - نسبی سنجش و اندازه‌گیری گردید. متغیرهای زمینه‌ای به‌صورت دو مقوله‌ای (مثلاً جنسیت شامل زن و مرد) با کدگذاری ۰ و ۱ به‌صورت متغیر کمی مدنظر قرار می‌گیرد (صدفی، ۱۳۹۵: ۴۳). میزان پایایی

پرسش‌نامه تحقیق از طریق توزیع ۳۰ پرسش‌نامه بین متاهلان مورد مطالعه به صورت تصادفی و با گرفتن آلفای کرونباخ تأیید شد (جدول ۱). برای تجزیه تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و از تحلیل دومتغیره، تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است.

جدول (۱). آزمون آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی متغیرها

ضریب آلفا	تعداد گویه	متغیرهای اصلی	
۰,۷۰	۳۶	نگرش به طلاق عاطفی	متغیر وابسته
۰,۷۳	۹	اعتماد اجتماعی	متغیرهای مستقل
۰,۷۰	۵	مشارکت اجتماعی	
۰,۷۸	۴	پایبندی به هنجار اجتماعی	
۰,۷۲	۶	عادت واره متفاوت	

یافته‌های پژوهش

در این بخش به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، اطلاعات و داده‌های گردآوری شده به صورت جدول ارائه شده است. سپس در قالب یافته‌های توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. یافته‌های توصیفی

جدول (۲). یافته‌های توصیفی متغیر وابسته

نگرش بر مبنای مدل	نگرش منفی	بینابین	مثبت
فیش باین و آیزن	۳۱ درصد	۲۸ درصد	۴۱ درصد

جدول (۲) حاصل مقایسه نظر پاسخ‌گو و نظر همسر پاسخ‌گو در مورد ابعاد نگرش مدل فیش باین و آیزن می‌باشد. طبق نتایج توصیفی تحقیق، ۴۱ درصد زوجین دارای نگرش مثبت به طلاق عاطفی و ۳۱ درصد نگرش منفی طلاق عاطفی و ۲۸ درصد بینابین می‌باشند.

جدول (۳). نگرش بر مبنای امر واقع و وانموده

نگرش بر مبنای امر واقع و وانموده	فراوانی	درصد	مثبت/منفی
زن و مرد واقع‌گرا	۱۰۹	۲۸ درصد	نگرش منفی
زن و مرد وانموده	۲۸۶	۷۲ درصد	نگرش منفی
زن واقع‌گرا مرد وانموده	۲۰۴	۵۱ درصد	نگرش مثبت
زن وانموده مرد واقع‌گرا	۱۹۱	۴۹ درصد	نگرش مثبت

طبق نتایج توصیفی در جدول (۳)، ۲۸ درصد متاهلان واقع‌گرا، ۷۲ درصد متاهلان وانموده، ۵۱ درصد زن واقع‌گرا و مرد وانموده، ۴۹ درصد زن وانموده و مرد واقع‌گرا می‌باشند. طبق یافته‌های

تحقیق زن و مرد واقع‌گرا و زن و مرد وانموده، نگرش منفی به طلاق دارند. در طیف لیکرت دو سوی موضوع سنجیده شد. گویه‌های مربوط به نگرش وانموده در یک سو و گویه‌های مربوط به واقع‌گرا در سوی دیگر بودند و نظرات خود پاسخ‌گو و همسرشان گرد اوری شد. چنانچه پاسخ‌گویان در هر گویه باهم اشتراک داشته باشند، هم نظر و همراه هم بوده و نگرش منفی به طلاق عاطفی دارند یعنی باهم سازگار هستند. اما اگر یکی واقع‌گرا و دیگری وانموده و بالعکس باشد سبب ناسازگاری و بروز نگرش مثبت به طلاق عاطفی می‌گردد. پرسش نامه مربوط به متغیر وابسته با ۱۸ سوال مشابه یکی مربوط به پاسخ‌گو و دیگری نظر پاسخ‌گو در مورد همسرش بوده است. در مجموع در این جدول نظرات ۸۰۰ نفر که ۴۰۰ نفر نظر پاسخ‌گویان و ۴۰۰ نفر همسر پاسخ‌گو از نگاه پاسخ‌گو در نظر گرفته شده است.

جدول (۴) نگرش بر مبنای نظم چلبی

نگرش بر مبنای نظم چلبی	منفی	بینابین	مثبت
هم‌فکری	۲۸,۶۱	۲۸,۷۸	۴۲,۷۴
هم‌بختی	۴۱,۳۳	۲۷,۳۳	۳۲,۱۱
هم‌دلی	۳۷,۷۵	۲۳,۱۵	۴۰
همگامی	۱۹,۹۸	۳۱,۷۶	۴۷,۴۵

طبق جدول (۴) بیشترین فراوانی پاسخ‌گویان، ۴۲,۷۴ درصد در بعد شناختی (هم‌فکری مشترک) نگرش مثبت به طلاق عاطفی دارند. ۴۱,۳۳ بیشترین فراوانی درصد در بعد شناختی (هم‌بختی مشترک) نگرش منفی به طلاق عاطفی دارند و دارای هم‌بختی مشترک هستند. بیشترین فراوانی ۴۰ درصد در بعد عاطفی (هم‌دلی) نگرش مثبت به طلاق عاطفی دارند و دارای عدم هم‌دلی مشترک هستند. در بعد رفتاری (هم‌گامی مشترک) بیشترین فراوانی ۴۷,۴۵ متاهلان خرم‌آبادی است که نگرش مثبت به طلاق عاطفی دارند و دارای عدم هم‌گامی در امور خانواده مثل (نوع پوشش و خرید وسایل منزل و...) هستند. به‌طور کلی می‌توان دید که طبق یافته‌های تحقیق به‌جز در هم‌بختی در ساختارهای روابط خانوادگی (هم‌دلی، هم‌گامی و هم‌فکری) تزلزل و ناسازگاری و نگرش به‌سوی طلاق عاطفی سوق یافته است.

جدول (۵). یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای		(۰)	(۱)
۱	جنسیت	زن	۴۷,۳
۲	مسکن	مالک	۴۳,۴
۳	قومیت	قوم لر	۱,۵

متغیرهای زمینه‌ای		(۰)		(۱)	
۴	سن پاسخ‌گو	۵۷,۷	سال ۱۹-۴۵	۴۲,۳	سال ۴۶-۷۰
۵	سن همسر پاسخ‌گو	۵۷,۰	سال ۱۹-۴۵	۴۳,۰	سال ۴۶-۷۰
۶	تحصیلات	۴۸,۰	تا دیپلم	۵۲,۰	دانشگاهی
۷	تحصیلات همسر	۵۱,۰	تا دیپلم	۴۹,۰	دانشگاهی
۸	وضع اشتغال	۶۱,۴	شاغل	۳۸,۶	غیر شاغل
۹	وضع اشتغال همسر	۵۸,۴	شاغل	۴۱,۶	غیر شاغل
۱۰	درآمد	۸۳,۲	تا سه میلیون تومان	۱۶,۸	بالاتر از سه میلیون تومان
۱۱	مدت ازدواج	۴۶,۳	تا ده سال	۵۳,۸	بالاتر از ده سال
۱۲	فاصله سنی	۴۲,۰	تا نه سال	۵۸,۰	بالاتر از نه سال
۱۳	تعداد فرزند	۹۱,۰	تا سه فرزند	۸,۸	بالاتر از سه فرزند

جدول (۶). یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل اصلی

زیاد	متوسط	کم	مفهوم/متغیر	اجتماعی	۳ - ۳
۱۶,۱۶	۵۴,۲۶	۳۰,۳۰	کل سرمایه اجتماعی		
۰,۳	۵۶	۴۳,۸	اعتماد اجتماعی (شخصی، تعمیم‌یافته (عام)، نهادی)		
۳۹,۵	۵۲,۸	۷,۸	مشارکت اجتماعی (غیررسمی، رسمی)		
۰,۰۶	۵۴,۸	۳۹,۳	پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی (تعهد، ارتباط دوجانبه و اخلاق (صداقت))		
۷۹,۲	۱۸,۲	۲,۵	عادت واره متفاوت (ارتباطات اجتماعی و ذائقه‌ها)	فرهنگی	

۲. یافته‌های تحلیلی

فرضیات بر اساس مدل نظری، آزمون شد: در جدول (۶)، نتایج آزمون همبستگی پیرسون با سطح معناداری (۰,۰۰۰) نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته (عام)، اعتماد نهادی، تعهد و ارتباط دوجانبه، با متغیر وابسته (نگرش متاهلان به‌طلاق عاطفی) همبستگی منفی وجود دارد. بدین معنا که کاهش هر یک از این متغیرهای مستقل نگرش مثبت متاهلان به‌طلاق عاطفی را در پی دارد. همچنین بین متغیر مستقل مشارکت غیررسمی، ارتباطات اجتماعی و ذائقه‌ها و متغیر وابسته (نگرش متاهلان به‌طلاق عاطفی) همبستگی مثبت وجود دارد. در بین متغیرهای زمینه‌ای مستقل درآمد و قومیت و متغیر وابسته (نگرش متاهلان

به‌طلاق عاطفی) همبستگی منفی وجود دارد و بین متغیر زمینه‌ای مستقل سن همسر پاسخ‌گو و متغیر وابسته (نگرش متاهلان به‌طلاق عاطفی) همبستگی مثبت وجود دارد. این در حالی است که رابطه بین متغیر مستقل اصلی و زمینه‌ای مشارکت رسمی، اخلاق (صداقت)، وضعیت مسکن، تحصیلات، شغل، مدت ازدواج، فاصله سنی، سن پاسخ‌گو، تعداد فرزند با متغیر وابسته (نگرش متاهلان به‌طلاق عاطفی) $P > 0.05$ مورد تأیید قرار نگرفت.

جدول (۷). نتایج آزمون پیرسون در خصوص رابطه متغیرهای مستقل و وابسته

نتیجه آزمون	تعداد	سطح معناداری	همبستگی پیرسون	شاخص‌ها	همبستگی پیرسون	متغیرهای مستقل	متغیر وابسته
تأیید	۴۰۰	۰,۰۰۰	-۰,۳۹۱	اعتماد بین شخصی	-۰,۵۶۱	اعتماد اجتماعی	نگرش به طلاق عاطفی
تأیید	۴۰۰	۰,۰۰۰	-۰,۴۹۰	اعتماد تعمیم‌یافته (عام)			
تأیید	۴۰۰	۰,۰۰۰	-۰,۳۸۴	اعتماد نهادی			
تأیید	۴۰۰	۰,۰۱۱	۰,۱۲۷	مشارکت غیررسمی	۰,۱۴۵	مشارکت اجتماعی	
رد	۴۰۰	۰,۰۶۲	۰,۰۹۳	مشارکت رسمی			
تأیید	۴۰۰	۰,۰۱۸	-۰,۱۱۹	تعهد	-۰,۱۷۹	پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی	
تأیید	۴۰۰	۰,۰۱۴	-۰,۱۲۳	ارتباط دوجانبه			
رد	۴۰۰	۰,۸۰۹	-۰,۰۱۲	اخلاق (صداقت)			
تأیید	۴۰۰	۰,۰۰۰	۰,۳۱۷	ارتباطات اجتماعی	۰,۳۵۰	عادت‌واره متفاوت	
تأیید	۴۰۰	۰,۰۰۰	۰,۳۰۷	ذائقه‌ها			
تأیید	۳۹۶	۰,۰۴۱	-۰,۱۰۳	قومیت		متغیرهای زمینه‌ای	
تأیید	۳۹۵	۰,۰۰۸	۰,۱۳۳	سن همسر			
تأیید	۳۹۴	۰,۰۰۰	-۰,۱۹۱	درآمد			

رگرسیون چند متغیره

در تحلیل رگرسیون تغییرات متغیر وابسته (نگرش متاهلان به‌طلاق عاطفی) از طریق متغیرهای اعتماد اجتماعی (با ابعاد اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته (عام)، اعتماد نهادی) و مشارکت اجتماعی (با ابعاد مشارکت غیررسمی و رسمی)، پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی (با ابعاد تعهد، ارتباط دوجانبه و اخلاق (صداقت)) و عادت‌واره متفاوت (با ابعاد ارتباطات اجتماعی و ذائقه‌ها) متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، قومیت، وضعیت مسکن، تحصیلات، شغل، مدت ازدواج، فاصله سنی، سن پاسخ‌گو، سن همسر پاسخ‌گو، تعداد فرزند) پیش‌بینی و سهم هریک از این متغیرها در تبیین متغیر وابسته تعیین شد. بدین منظور، همه متغیرهای مستقل و زمینه‌ای وارد معادله رگرسیون شدند و در گام آخر و با کنار

گذاشتن متغیرهای مشارکت رسمی، تعهد، اخلاق (صداقت)، ارتباطات اجتماعی، وضعیت مسکن، تحصیلات، شغل، مدت ازدواج، فاصله سنی، سن پاسخ‌گو، تعداد فرزند با متغیر وابسته در نهایت نتیجه ذیل به دست آمد. با توجه به جدول (۷)، مقدار ضریب تعیین R بین متغیرها ۰,۶۶۰ است که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (نگرش متاهلان به طلاق عاطفی) همبستگی وجود دارد؛ اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (R^2) برابر با ۰,۴۳۶ است که نشان می‌دهد ۰,۴۳۶ درصد از کل نگرش متاهلان به طلاق عاطفی توسط این متغیرها قابل پیش‌بینی است.

جدول (۸). نتایج آزمون رگرسیون در گام آخر

خطای معیار برآورد	R (مجدور تعدیل شده)	RSquare (ضریب تعیین خالص)	R (ضریب تعیین)
۵,۲۵۰۴۵	۰,۴۲۵	۰,۴۳۶	۰,۶۶۰

جدول (۹). نتایج رگرسیون مقدار β -گام آخر

متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	مقدار آزمون t	سطح معناداری
	B	خطای معیار			
مقدار ثابت	۱۴,۳۶۱	۱,۰۷۷	-	۱۳,۳۳۷	۴,۹۴۲۹۱
اعتماد تعمیم یافته (عام)	-۰,۶۷۲	۰,۱۵۲	-۰,۲۳۸	-۴,۴۲۴	۰,۰۰۰
ذائقه‌ها	۰,۹۵۲	۰,۱۳۱	۰,۲۸۵	۷,۲۶۸	۰,۰۰۰
اعتماد بین شخصی	-۰,۷۰۸	۰,۱۱۰	-۰,۲۷۴	-۶,۴۴۲	۰,۰۰۰
ارتباط دوجانبه	-۱,۰۷۴	۰,۲۹۱	-۰,۱۴۹	-۳,۶۸۸	۰,۰۰۰
درآمد	-۲,۸۹۶	۰,۷۲۵	-۰,۱۵۷	-۳,۹۹۳	۰,۰۰۰
اعتماد نهادی	-۰,۷۰۷	۰,۲۲۵	-۰,۱۶۲	-۳,۱۴۴	۰,۰۰۲
سن همسر	۱,۵۹۲	۰,۵۴۸	۰,۱۱۴	۲,۹۰۸	۰,۰۰۴

با توجه به نتایج جدول (۹)، ضریب رگرسیون به دست آمده برای متغیر اعتماد تعمیم یافته (عام) در سطح معنی‌داری $\text{sig}=0,000$ برابر با $-0,238$ است؛ بنابراین به ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیر اعتماد تعمیم یافته (عام) نگرش متاهلان به طلاق عاطفی به میزان $0,238$ انحراف استاندارد کاهش پیدا می‌کند. همچنین متغیر ذائقه‌ها در سطح $\text{sig}=0,000$ برابر با $0,285$ است؛ بنابراین به ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیر ذائقه‌ها نگرش متاهلان به طلاق عاطفی به میزان $0,285$ انحراف استاندارد افزایش پیدا می‌کند. همچنین متغیر ارتباط دوجانبه در سطح $\text{sig}=0,000$ برابر با

۰,۲۷۴- است؛ بنابراین به‌ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیر ارتباط دوجانبه نگرش متاهلان به طلاق عاطفی به‌میزان ۰,۲۷۴ انحراف استاندارد کاهش پیدا می‌کند. همچنین متغیر اعتماد بین شخصی در سطح $\text{sig}=0,000$ برابر با ۰,۱۴۹- است؛ بنابراین به‌ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیر اعتماد بین شخصی نگرش متاهلان به طلاق عاطفی به‌میزان ۰,۱۴۹ انحراف استاندارد کاهش پیدا می‌کند. همچنین متغیر درآمد در سطح $\text{sig}=0,000$ برابر با ۰,۱۵۷- است؛ بنابراین به‌ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیر درآمد نگرش متاهلان به طلاق عاطفی به‌میزان ۰,۱۵۷ انحراف استاندارد کاهش پیدا می‌کند. همچنین متغیر اعتماد نهادی در سطح $\text{sig}=0,002$ برابر با ۰,۱۶۲- است؛ بنابراین به‌ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیر اعتماد نهادی نگرش متاهلان به طلاق عاطفی به‌میزان ۰,۱۶۲ انحراف استاندارد کاهش پیدا می‌کند. همچنین متغیر سن همسر پاسخ‌گو در سطح $\text{sig}=0,002$ برابر با ۰,۱۱۴- است؛ بنابراین به‌ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیر سن همسر پاسخ‌گو نگرش متاهلان به طلاق عاطفی به‌میزان ۰,۱۱۴ انحراف استاندارد افزایش پیدا می‌کند.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

در تحلیل رگرسیون تغییرات متغیر وابسته (نگرش متاهلان به طلاق عاطفی) متغیرهای مستقل زمینه‌ای (جنسیت، مسکن، قومیت، سن پاسخ‌گو، سن همسر پاسخ‌گو، تحصیلات پاسخ‌گو، تحصیلات همسر پاسخ‌گو، شغل پاسخ‌گو، شغل همسر پاسخ‌گو، درآمد، مدت ازدواج، فاصله سنی، تعداد فرزند) و متغیرهای مستقل اصلی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی، عادت واره متفاوت)، بر متغیر وابسته (نگرش متاهلان به طلاق عاطفی)، تأثیر معناداری داشتند.

تحلیل مسیر

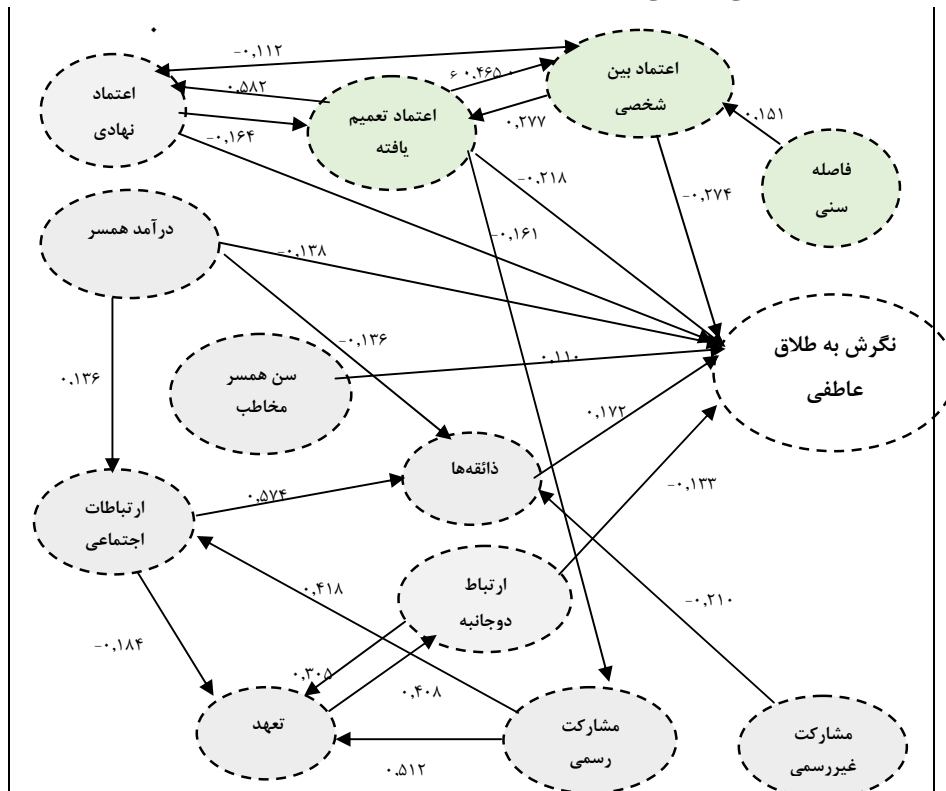
در تحلیل مسیر، شبکه روابط موجود بین متغیرها به‌نمایش درمی‌آیند و شدت آن‌ها نیز آشکار می‌شود. ضریب بتا نمایانگر شدت در تحلیل مسیر است که با استفاده از آماره رگرسیون، عواملی که بیشترین تأثیر را داشته‌اند، مشخص می‌شود. با توجه به معادله تحلیل مسیر، سطح معناداری و مقدار بتا، اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بینی کننده بر متغیر وابسته شناسایی شد. در جدول (۱۰) اثرهای مربوط به مدل بیان شده است.

جدول (۱۰). تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد متغیرهای مستقل و زمینه‌ای بر نگرش به طلاق عاطفی

نام متغیر			اثر کل
اعتماد اجتماعی	اعتماد بین شخصی	-۰,۰۳۱	-۰,۳۰۵
	اعتماد تعمیم‌یافته (عام)	-۰,۰۰۶	-۰,۲۲۴
	اعتماد نهادی	-۰,۰۹۵	-۰,۲۵۶

۰,۱۶۱	۰,۱۷۲	-۰,۰۱۱	ذائقه‌ها	عادت واره متفاوت
-۰,۰۳۷	-۰,۱۳۳	۰,۰۹۶	ارتباط دوجانبه	پای‌بندی به‌هنگار اجتماعی
-۰,۱۵۵	-۰,۱۳۸	-۰,۰۱۷	درآمد	متغیر زمینه‌ای
۰,۱۰۹	۰,۱۱۰	-۰,۰۰۱	سن همسر	

طبق جدول (۱۰) اعتماد بین شخصی از ابعاد اعتماد اجتماعی، مهم‌ترین و قوی‌ترین پیش‌بینی کننده میزان نگرش متاهلان به طلاق عاطفی در شهر خرم‌آباد (لرستان) است که مستقیم و غیرمستقیم در نگرش به طلاق عاطفی تأثیر معکوس دارد. همچنین متغیرهای اعتماد تعمیم‌یافته (عام)، اعتماد نهادی، ارتباط دوجانبه و درآمد به‌صورت مستقیم بر نگرش به طلاق عاطفی تأثیر منفی و معکوس دارند. کاهش هر یک از این متغیرها تغییرات نگرشی مثبت به طلاق عاطفی را در پی دارد. همچنین متغیر ذائقه از ابعاد عادت واره متفاوت و متغیر سن همسر پاسخ‌گو از متغیرهای مستقیم و مثبت بر نگرش به طلاق عاطفی هستند. در نتیجه افزایش هر یک از این متغیرها تغییرات نگرشی مثبت به طلاق عاطفی را در پی دارد.



شکل (۶). مدل علی تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر نگرش به طلاق عاطفی

با توجه با آن چه گفته شد، اکنون می‌توان گفت که ۰,۴۶۰ درصد از واریانس نگرش متاهلان به طلاق عاطفی توسط متغیرهای مستقل اصلی و زمینه‌ای تبیین می‌شود و مقدار ۰,۵۴۰ درصد از واریانس متغیر وابسته نتوانسته توسط متغیرهای این پژوهش تبیین شود.

$$R^2 = 1 - e^2 = 1 - 0.540 = 0.460$$

$$e^2 = 1 - 0.460 = 0.540$$

$$e^2 = 0.540$$

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش در جدول (۷) نشان داد که بین اعتماد اجتماعی و نگرش متاهلان به طلاق عاطفی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. اگر اعتماد اجتماعی متاهلان کاهش پیدا کند، باعث نگرش مثبت به طلاق عاطفی و به تبع آن سبب گرایش به طلاق عاطفی می‌شود و بالعکس. در این پژوهش کاهش اعتماد اجتماعی رابطه مثبت با طلاق عاطفی داشته است. نتایج جدول (۹) تحلیل رگرسیون نیز نشان می‌دهد که به ازای یک واحد انحراف استاندارد در متغیرهای اعتماد تعمیم‌یافته (عام)، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی، نگرش متاهلان به طلاق عاطفی به ترتیب میزان ۰,۲۳۸- و ۰,۲۷۴-، ۰,۱۶۲- و ۰,۱۶۲- انحراف استاندارد افزایش پیدا کرده و مثبت می‌شود. طبق نتایج جدول (۶) می‌توان گفت که متاهلان شهر خرم‌آباد با کاهش سرمایه اجتماعی مواجه هستند؛ بنابراین، طبق نتایج تحقیق تقویت سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در خانواده سبب تغییر نگرش منفی به طلاق عاطفی و افزایش سازگاری و صمیمیت در بین متاهلان می‌گردد. در تحلیل مسیر طبق جدول (۱۰) نیز، مشخص شد که اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی متغیرهای پیش‌بینی کننده نگرش متاهلان به طلاق عاطفی در شهر خرم‌آباد می‌باشند که اعتماد بین شخصی قوی‌ترین و مهم‌ترین متغیر کننده است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر نگرش متاهلان به طلاق عاطفی تأثیر دارد. نتایج پژوهش در جدول (۷) رابطه بین مولفه‌های مشارکت اجتماعی (رسمی و غیر رسمی) و میزان نگرش به طلاق عاطفی، را نشان می‌دهد؛ بین مشارکت اجتماعی رسمی با نگرش متاهلان به طلاق عاطفی رابطه وجود ندارد. اما بین مشارکت غیررسمی (گستره روابط خویشاوندی قبیله‌ای) با نگرش متاهلان به طلاق عاطفی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. مشارکت غیررسمی همان روابط خویشاوندی و قبیله‌ای می‌باشد که تحت تأثیر ساختار مردسالاری و قدرت اعمال نظر در روابط خانوادگی است. ارتباط مستقیم افزایش شبکه روابط غیررسمی با نگرش طلاق عاطفی به دلیل نقش روابط عشیره‌ای و سنتی زوجین و شبکه خویشاوندی است. طبق جدول (۹) در معادله

رگرسیون چند متغیره متغیرهای مشارکت غیررسمی و رسمی طبق نتایج پژوهش با توجه وجود متغیرهای قوی‌تر به‌خاطر قدرت پیش‌بینی کننده ضعیف از معادله خارج شدند.

نتایج پژوهش در جدول (۷) نشان داد که بین پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی و میزان نگرش به‌طلاق عاطفی، رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد؛ بدین‌صورت اگر میزان پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی در متاهلان کمتر شود، سبب تغییر مثبت نگرش به‌طلاق عاطفی و به‌تبع آن گرایش به‌طلاق عاطفی می‌شود. درواقع عدم رعایت حقوق متقابل زن و شوهر منجر به‌نارضایتی و تبع آن تغییر مثبت نگرش به‌طلاق عاطفی می‌شود. بین ارتباط دوجانبه به‌عنوان یکی از ابعاد پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی و نگرش متاهلان به‌طلاق عاطفی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. طبق جدول (۹) در معادله رگرسیون متغیر ارتباط دوجانبه از ابعاد پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی نگرش متاهلان به‌طلاق عاطفی به‌میزان $0,274$ انحراف استاندارد کاهش پیدا می‌کند. بدین معنا که اگر پای‌بندی به‌هنجار اجتماعی افراد کمتر شود، سبب تغییر مثبت نگرش به‌طلاق عاطفی و به‌تبع آن سبب گرایش به‌طلاق عاطفی می‌شود. همچنین هنجارها به‌روابط متقابل و درک متقابل و نگرش منفی به‌طلاق عاطفی و سازگاری و صمیمیت زوجین کمک می‌کنند در تحلیل مسیر نیز، ارتباط دوجانبه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر نگرش متاهلان به‌طلاق عاطفی تأثیر داشته است. نتایج پژوهش در جدول (۷) نشان داد که بین عادت واره متفاوت و میزان نگرش به‌طلاق عاطفی، رابطه معنی‌دار مثبت وجود دارد؛ اگر عادت واره متاهلان تفاوت بیشتری داشته باشد، سبب تغییر مثبت نگرش به‌طلاق عاطفی و به‌تبع آن سبب گرایش به‌طلاق عاطفی می‌شود. ذائقه، به‌عنوان یکی از ابعاد عادت واره متفاوت با نگرش متاهلان به‌طلاق عاطفی رابطه مستقیم دارد. اگر تفاوت عادت واره ها بین زوجین بیشتر شود سبب تغییر مثبت نگرش متاهلان به‌طلاق عاطفی و به‌تبع آن سبب گرایش به‌طلاق عاطفی می‌شود. در تحلیل مسیر طبق جدول (۱۰) نیز، مشخص شد که متغیر ذائقه‌ها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر تغییر مثبت نگرش به‌طلاق عاطفی متاهلان شهر خرم‌آباد تأثیر داشته است؛ بنابراین افزایش میزان تفاوت در ذائقه‌ها سبب تغییر مثبت نگرش به‌طلاق عاطفی و به‌تبع آن سبب گرایش به‌طلاق عاطفی می‌شود. تحقیق حاضر در مقایسه با نتیجه تحقیق خانم برین (پیشینه تحقیق این پژوهش، صفحه ۵) با عنوان بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی و عادات واره‌ها بر طلاق عاطفی از لحاظ همبستگی بین عادت واره و طلاق عاطفی هم‌خوانی دارد. ولی با این تفاوت که در تحقیق خانم برین متغیر ارتباطات اجتماعی از ابعاد عادت واره بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است؛ اما در تحقیق حاضر تفاوت در ذائقه‌ها بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد. این امر می‌تواند به‌دلیل تفاوت بافت فرهنگی شهر خرم‌آباد با شهر تهران باشد؛ بنابراین اگر افراد عادت واره‌های متفاوتی داشته باشند به‌دلیل عدم درک متقابل، سبب تغییر مثبت نگرش به‌طلاق عاطفی و به‌تبع آن سبب گرایش به‌طلاق عاطفی می‌شود. شهر خرم‌آباد (مورد تحقیق) دارای بافت

فرهنگ سنتی و عشیره‌ای اما با گسترده‌تر شدن رسانه‌ها طی سال‌های اخیر، زوجین تحت تاثیر شبکه‌های مجازی و رسانه‌های جهانی قرار گرفته که با بروز عدم درک متقابل، اختلافات و بگومگو در خانواده‌ها و به دنبال آن تغییر نگرش مثبت به طلاق عاطفی می‌شود. طبق نتایج توصیفی در جدول (۲) طبق مدل فیش باین و آیزن، ۴۱ درصد زوجین دارای نگرش مثبت به طلاق عاطفی می‌باشند. همچنین طبق نتایج توصیفی جدول (۳) در بعد شناختی (هم‌فکری) در واقع اکثر متاهلان در امور و روابط خانواده درک متقابل و هم‌فکری مشترک ندارند. در بعد عاطفی (همدلی) در واقع اکثر متاهلان در صورت بروز سختی و شادی در روابط خانواده باهم همدلی مشترک ندارند؛ و دارای عدم همدلی مشترک هستند. در بعد رفتاری (هم‌گامی مشترک) نگرش مثبت به طلاق عاطفی دارند در واقع اکثر متاهلان در امور خانواده مثل (نوع پوشش و خرید وسایل منزل و...) هم‌گامی مشترک ندارند؛ اما در بعد شناختی (هم‌بختی مشترک) نگرش منفی به طلاق عاطفی دارند و دارای هم‌بختی مشترک هستند. به این معناست که اکثر متاهلان سعی می‌کنند با تشریک مساعی و مشورت با یکدیگر در حل مشکلات به هم کمک کنند و به نیازهای همدیگر اهمیت دهند. در جامعه ایران هنوز بسیاری از سنت‌های مردسالاری حفظ شده است. هرچند جهانی شدن و تاثیر شبکه‌های مجازی سبب شده فرهنگ و روابط زوجین دست‌خوش تغییراتی گردد؛ ولی همچنان مقاومت افراد جامعه در برابر تغییر و حفظ ارزش‌ها و هنجارها، روابط اجتماعی مبتنی بر خویشاوندی و سنتی در جامعه وجود دارد. در هر حال شواهد حاکی از آن است که جامعه ایران، تحت تأثیر جهانی شدن، در معرض برخی از مؤلفه‌های پست‌مدرنیسم قرار گرفته است. یکی از ابعاد پست‌مدرنیسم امر وانموده در نظریه بودریار است. در جدول (۳)، نگرش متاهلان طلاق عاطفی بر مبنای امر واقع و وانموده می‌توان استنباط کرد که زن و مرد واقع‌گرا و زن و مرد وانموده، نگرش منفی به طلاق دارند؛ اما اگر یکی واقع‌گرا و دیگری وانموده و بالعکس باشد سبب تغییرات نگرش مثبت به طلاق عاطفی در آن‌ها می‌شود. با وانمودکردن (شبه‌سازی) متاهلان از واقعیت‌ها و روی آوردن به مدگرایی و ترجیح پول به جای ارزش‌ها، به تدریج ارتباط نمادین در جامعه کم‌رنگ می‌شود؛ و دیگر این که علت بالا بودن تیپ وانمودی در لرستان غلبه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و فشارهای هنجاری که در بیرون از خانواده متاهلان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین افراد از کالا و اشیا نه به عنوان رفع نیاز بلکه به خاطر چشم هم‌چشمی، وانموده و مصرف‌گرایی صرف استفاده می‌کنند و این امر موجب شده است که امروزه نظم اجتماعی به معنای واقعی در زندگی متاهلان دچار اختلال شده است و زوجین در جنبه‌های مختلف زندگی با تظاهر به نظم وانموده و بدون توجه به خواست و نظر یکدیگر منجر به سرپوش گذاشتن به واقعیت زندگی شده‌اند.

منابع و مأخذ

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران: سمت.
- اسکافی، مریم (۱۳۹۳)، اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صفحات ۲۲۵-۲۵۰. مشهد: *مجله علوم اجتماعی* دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی.
- اختر محقق، مهدی (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی*، بی‌جا: نشر مؤلف.
- الوانی، مهدی، شیروانی، علیرضا (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی: مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها*. چاپ اول، اصفهان: نشرمانی.
- اینگلهارت، ر (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، (مریم وتر)، چاپ اول، تهران، کویر.
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره، (۱۳۸۹)، پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی مواجهه با آن، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*: شماره ۲۶، صفحات ۲۴۱-۲۵۷.
- بخارایی، ا (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران (طلاق عاطفی)*، چاپ اول، تهران: پژوهاک جامعه.
- برین، زهرا (۱۳۸۹)، "بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی و عادت واره‌ها بر طلاق عاطفی بین زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در تهران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- بودریار، ژان (۱۳۸۹)، *جامعه مصرفی، اسطوره‌ها و ساختارها*، پیروز ایزد، چاپ دوم، تهران: نشر ثالث.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰)، *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه: مرتضی مردی‌ها، چاپ پنجم، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نی.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مرتبط باطلاق عاطفی و مطالعه موردی متاهلان شهر شیراز، *مطالعه راهبردی زنان*، دوره ۱۸، شماره ۷۱، صفحات ۱۰۸-۸۵.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۳)، *سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی*، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۹)، *نظریه جامعه‌شناختی در دوران معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، ترجمه شهناز مسمی پرست، چاپ اول، تهران: نشر ثالث.
- سازمان ثبت‌احوال کشور؛ آمار و رویدادهای حیاتی (۱۳۹۴)، طلاق؛ درج در سایت <http://www.sabteahval.ir> تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۵/۱۰.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان؛ سالنامه آماری استان لرستان (۱۳۹۴)، معاونت آمار و اطلاعات؛ درج در سایت <http://lorestan.mporg.ir> تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱۲/۱۲.
- شکر بیگی، عالیه (۱۳۸۸)، *تجددگرایی، سرمایه اجتماعی، خانواده ایرانی، مجله علوم رفتاری: دوره ۱*، شماره ۱، صفحات ۱۳۹ تا ۱۵۴.
- صدفی، ذبیح اله (۱۳۹۵)، *روش‌های تحلیل آماری پیشرفته*، جلد اول، چاپ اول، زنجان: سطورقلم

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)، *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، غلام عباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۵)، *روان‌شناسی اجتماعی؛ نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها*، تهران ارسباران.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۵)، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، منوچهر صبوری، چاپ پنجم، تهران: نی گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، *پیامدهای مدرنیته*، محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- لیبی، محمدمهدی (۱۳۹۳)، *خانواده در قرن بیست و یک*، چاپ اول، تهران: نشر علم.
- Ajzen, I., & Fishbein, M. (1980), *Understanding attitudes and predicting social behavior*: Prentice-Hall
- Baudrillard, Jean: (1988), *America*. Trans by Chris Turner, London & New York: Verso.
- Baudrillard, Jean. (1981), *For a Critique of the Political Economy of the sign*, St. Louis: Telos Press.
- Hashemi, (2017), *Journal of Divorce & Remarriage*, Volume 8, 2017-Issue 7. Published online: 26 Jul.
- Russell B, MA. Clayton, (2014), "Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking". Department of Journalism, University of Missouri-Columbia, Columbia, Missouri, Vol. 17, No. 7.
- Valenzuela, Sebastián, Daniel Halpern, & James E. Katz (2014), "Social network sites, marriage well-being and divorce", Survey and state-level evidence from the United States, Vol. 36.